بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بسته متنی

هفته 60

مسجدنما

<http://MasjedNama.ir>

سلام بر شما

هر هفته با مراجعه به وبگاه مسجدنما می‌تونید بسته‌های هفتگی فرهنگی ویژه همان ایام را دریافت و در تابلوی اعلانات مسجد، مدرسه، محل کار و... خود نصب کنید. ما در پی آنیم با مشارکت همه فعالان فرهنگی مسجدی، تحولی در کارهای فرهنگی و تربیتی مساجد رخ دهد و مسجد به جایگاه حقیقی خودش بازگردد، ان‌شاءالله. باشد تا با زمینه‌سازی ظهور، سربازان خوبی برای امام خویش باشیم. برای هم دعا کنیم!

ببینیم چه چیزایی این هفته روزی‌مون شده...

فهرست مطالب

[قرآن 3](#_Toc418688950)

[قدرت پوشالی 3](#_Toc418688951)

[اهل‌بیت 5](#_Toc418688952)

[رحمت باران 5](#_Toc418688953)

[امام روح‌الله 6](#_Toc418688954)

[فرهنگ، سایه نبوت است یعنی چه؟ 6](#_Toc418688955)

[امام خامنه‌ای 7](#_Toc418688956)

[یک دوره‌ کتاب هشت‌جلدی را در اتوبوس خواندم 7](#_Toc418688957)

[شهدا 8](#_Toc418688958)

[زبان جوان‌ها را خوب بلد بود 8](#_Toc418688959)

[یار مهربان 9](#_Toc418688960)

[نیم‌قرن با فلسطین 9](#_Toc418688961)

[ایام ویژه 10](#_Toc418688962)

[جدایی ایران از بحرین! 10](#_Toc418688963)

[احکام 11](#_Toc418688964)

[باقی ماندن رنگ خون 11](#_Toc418688965)

[نیایش 12](#_Toc418688966)

[دعای امام سجاد در نماز شب 12](#_Toc418688967)

[روزنوشت 13](#_Toc418688968)

[کاریکاتورهای اقتصادی 13](#_Toc418688969)

[درنگ 14](#_Toc418688970)

[کم کنیم! 14](#_Toc418688971)

#

# قرآن

## قدرت پوشالی

به‌ظاهر اگر باشد، دشمنان در اوج اقتدار و قوت‌اند و اسلام و مسلمانان در اوج ضعف و ناتوانی. آن‌قدر که تبلیغات‌چی‌ها می‌گویند اگر مسلمانان با دشمنان دربیفتند، نابود می‌شوند!

پس هر ظاهربینی حکم می‌کند که در این شرایط، نباید سربه‌سر اهل کفر بگذارند و بل، باید در مقابل قلدری‌ها و گزافه‌گویی‌هایشان سر تسلیم فرود آورند.

اما حقیقت این است که اگر کسی به خدا وصل شد، دیگر قدرت پوشالیِ بی‌خدایان برایش ناچیز می‌شود و به‌جای دیدنِ این ظواهر، کیفیت کارهای خدایی را می‌نگرد و بر اساس آن تصمیم می‌گیرد. پس باید دید که خدا با مستکبران چگونه رفتار می‌کند و چگونه آنان را- اگرچه دارای قوی‌ترین سپاه باشند- با کوچک‌ترین سلاح نابود می‌کند!

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏**

**أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحابِ الْفيلِ (1) أَ لَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ في‏ تَضْليلٍ (2) وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْراً أَبابيلَ (3) تَرْميهِمْ بِحِجارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (5)**

آیا ندیدی كه پروردگارت با آن فيل سواران چگونه رفتار كرد؟ (1) آيا ترفندشان را در بيراهه قرار نداد و بى اثر نساخت؟ (2) و بر بالاى سرشان فوج فوج پرندگانى فرستاد. (3) پرندگانى كه بر آنان سنگ‌هايى از سجّيل مى‌افكندند (4) بدين گونه، خداوند جانشان را گرفت و آنان را همچون پوسته‌اى ساخت كه مغزش خورده شده باشد. (5)

# اهل‌بیت

## رحمت باران

نسبت جالبی دارند با هم «باران» و «رحمت». به هم تشبیه می‌شوند و با هم می‌آیند. انگار که رحمت، قطره‌ای یا دیمی نیست و همیشه مثل باران سرازیر می‌شود. البته باران هم در تابستان و زمستان متفاوت است، اما هر چه باشد، باران است!

ما یا شوره‌زاریم یا سنگ‌زار یا خاک حاصل‌خیز. در شوره‌زار هیچ نمی‌روید و در سنگ‌زار آب ذخیره می‌شود، اما استفاده نه. فقط می‌ماند خاکِ حاصل‌خیز که همه‌جوره آمادگی رشد دارد.

رجب ماه رحمت است اما فرق دارد با ماه مبارک رمضان. چراکه رمضان به شوره‌زار هم عنایت دارد، اما رجب مخصوص خاک‌های حاصل‌خیز است. ای‌کاش عنایتی شود تا ما هم بتوانیم مثل رجبیون بهره‌ای ویژه از این ماه داشته باشیم... ای‌کاش یک نفر سحرهای این ماه ما را بیدار کند برای مناجات با خودش...

**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله): ‏سُمِّيَ شَهْرُ رَجَبٍ الْأَصَبَّ لِأَنَّ الرَّحْمَةَ تُصَبُّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ صَبّا**

رجب را، «ماه ريزان خدا» ناميده‌اند؛ چون در اين ماه رحمت بر امّت من به‌شدّت فرومی‌بارد.
 (وسائل الشيعة، ج‏10، ص: 512)

# امام روح‌الله

## فرهنگ، سایه نبوت است یعنی چه؟

مقدرات هر مملكتى به دست همين‌هاست كه از فرهنگ بيرون مى‏آيند؛ و پيشرفت هر كشورى و عقب‏ماندگى هر كشورى باز به دست معلمين است. معلم است كه با ساختن خود، افراد را، كشور را پيش مى‏برد؛ و معلم است كه اگر خدای‌نخواسته در پيش او انحراف حاصل‏ بشود، كشور را خراب مى‏كند. **معلم است كه انسان‌ها را يا مهذب بار مى‏آورد، متعهد بار مى‏آورد، و يا انگل بار مى‏آورد و وابسته**... همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها انگيزه‏اش از مدرسه‏هاست، و كليدش دست معلمين است. بايد معلمين توجه داشته باشند اولاً، به شغل شريف خودشان كه شغل انبياست، و ثانياً به مسئوليت خودشان كه همان مسئوليت انبياست. انبيا... مأمور به تربيت هستند، و تربيت مى‏كنند. و آن‌قدرى كه از عهده‏شان برآمد، عمل كردند. شما هم همان مسئوليت را داريد، و همان شرافت را.

كانَّه فرهنگ سايه‏اى است از نبوت؛ و **فرهنگي‌ها سايه‏اى هستند از نبى. اين سايه بايد عمل كند به آن‌طورى كه ذى‌ظل [صاحب سایه یعنی پیامبر] عمل كرد**.

#### صحیفه امام، ج 7، ص 429

# امام خامنه‌ای

## یک دوره‌ کتاب هشت‌جلدی را در اتوبوس خواندم

افرادی که کار روزانه دارند مثلاً کارمند اداری، کارگر، کاسب و یا کشاورز هستند، وقتی به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را ولو نیم ساعت برای کتاب خواندن بگذارند.

چقدر کتاب‌ها را در همین نیم ساعت‌ها می‌شود خواند! **بنده دوره‌های بیست‌جلدی و بیست‌وچندجلدی کتاب را در همین فاصله‌های ده‌دقیقه، بیست‌دقیقه و یک‌ربع ساعته خوانده‌ام.** پشت این کتاب‌ها را هم یادداشت می‌کنم که معلوم باشد. شاید صدها جلد کتاب را همین‌طور در این فاصله‌های کوتاه ده‌دقیقه‌ای خوانده‌ام. بسیاری از افراد را هم می‌شناسم که این‌گونه‌اند.

من یک دوره‌ کتاب هشت‌جلدی را که یک نویسنده‌ عرب نوشته است و از کتاب‌های معروف هم هست، نمی‌خواهم اسم بیاورم در سال‌های دور، وقتی به تهران می‌آمدم و در اتوبوس زیاد معطل می‌شدم، خواندم.

کتاب‌خوانی باید یک سیره و سنّت رایج بین مردم ما بشود. **کتاب بخوانند و به فرزندانشان هم یاد بدهند.**

امام خامنه‌ای|21/2/1372

# شهدا

## زبان جوان‌ها را خوب بلد بود

جوان‌ها و چند نفر از بزرگ‌ترهای فامیل را برای تفریح می‌برد کرج. جوان‌ها در مینی‌بوس شروع کردند به هم‌خوانی؛ شعر هم شعر معروف طاغوتی آن زمان! صدای پیرمردها درآمده بود که خجالت بکشید، به‌جای این مزخرفات، قرآن بخوانید!

صدای رجایی همه را ساکت کرد:

تلاش و جنبش و پرتو امید \* سرای جاودان می‌دهد نوید

به راه زندگی با صفا و مهر\* به درگاه خدا می‌توان رسید...

شعر حماسی، جوان‌ها را به وجد آورده بود. همه همراه رجایی هم‌خوانی می‌کردند. زبان جوان‌ها را خوب بلد بود.

شهید محمدعلی رجایی

منبع: کتاب «خدا که هست» نوشته مجید تولایی

# یار مهربان

## نیم‌قرن با فلسطین

**فلسطین برای فلسطینی است**

گردآورنده کتاب: الهه کریمی و ریحانه رفیعی. ناشر کتاب: موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، قطع رقعی، 208 صفحه، 2000 تومان.

خرید اینترنتی: http://bookroom.ir/book/9676

به بهانه یوم النکبه: خروج انگلیسی‌ها و اشغال ظالمانه فلسطین توسط صهیونیسم جهان‌خوار

ما از مردم بی‌پناه فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم. باید همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. این کتاب مجموعه مطالبی است گردآوری و تدوین شده از سیر تاریخی از تحولات و جریانات فلسطین. مطالب این مجموعه را نمی‌توان مطالبی کامل برشمرد و شاید در مواردی نیز کاستی‌هایی نیز وجود داشته باشد، اما در آن سعی شده با دسته‌بندی و خلاصه‌نویسی، خارج از هرگونه تحلیل از سیر این نیم‌قرن مبارزه، ظلم، آوارگی و کشتار و پیروزی‌ها روایتی کوتاه کرده باشد.

# ایام ویژه

## جدایی ایران از بحرین!

بحرین، قرن‌ها بخشی از ایران بود؛ از همان دوره امپراتوری پارس، تا این‌که استعمارگران بریتانیا به مدت 150 سال آن را اشغال کردند. پس از مدتی که استعمارگران ‌از حضور مستقیم در مستعمره‌ها ناتوان شدند، به شیوه‌ها و فتنه‌های جدیدی روی آوردند و یکی‌یکی سرزمین‌ها را پس دادند، اما «بحرین» پاره تن ایران به دامن مادرش برنگشت. بحرین استان چهاردهم ایران بود، قیمت ارسال مرسوله پستی به آن، به قیمت داخلی محسوب می‌شد و... اما مذاکرات انگلیسی‌ها با محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ورق را برگرداند. شاه (1347 ش) اعلام کرد حاضر است از بحرین چشم‌پوشی کند! نظرسنجی سازمان ملل هم محدود به نزدیکان دیکتاتوری استعمارساخته آل خلیفه بود و نظر همه مردم بحرین را شامل نمی‌شد. مجلس شورای (مثلاً) ملی هم گزارش سازمان ملل را تأیید کرد و به استقلال بحرین رأی داد. جالب آن که تنها چهار عضو پان‌ایرانیست مجلس با این تصمیم مخالفت کردند؛ تصمیمی که مطابق قانون اساسی مشروطه، اصلاً اعتبار حقوقی ندارد. همراهی مسئولان حکومتی و روشنفکران در جدایی مادر از فرزند عجیب است.

24 اردیبهشت- پایان حاکمیت ایران بر بحرین با رأی مجلس شورای ملی (1349 ش)

# احکام

## باقی ماندن رنگ خون

**سؤال: رنگ خون اگر بر لباس بماند ولى عين آن باقى نباشد، آيا پاك است؟**

**جواب: درصورتی‌که جرم خون از بين برود و رنگ باقى بماند، پاك است هرچند با شستن‌هاى بعدى از بين برود. در اين مورد ملاك، نظر مكلف ولو با رجوع به عرف است.**

منبع: Leader.ir

# نیایش

## دعای امام سجاد در نماز شب

**...قَدْ مَلَكَ الشَّيْطانُ عِنانى فى سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ الْيَقينِ، فَاَنَا اَشْكُو سُوءَ مُجاوَرَتِهِ لى، وَ طاعَةَ نَفْسى لَهُ، وَ اَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ...**

**شيطان مهارم را در بدبينى و ضعف يقين به دست گرفته، ازاین‌رو از بدرفتارى او و پيروى نفسم از اين موجود خطرناك شكايت دارم و از چيرگى او بر خودم از تو پناه مى‏جويم.**

**صحیفه سجادیه را که بخوانی، نظرت درباره نیایش و دعا عوض می‌شود. اگر حالش را داشتید، همین امشب متن کامل دعا را در صحیفه سجادیه پیدا کنید و بخوانید.**

# روزنوشت

## کاریکاتورهای اقتصادی

**خیلی خنده‌دار است که کارگرِ بخش تولیدِ** **محصول الف**، صبح تا شب تلاش کند و عرق بریزد تا پول اندکی به دست آورد و خرج زندگیِ صاف‌وساده‌اش بکند- و در این میان شکایت داشته باشد که چرا مردم کالای ما را نمی‌خرند و به سراغ کالای خارجی می‌روند- آن‌وقت **همان پول اندک و حلال را که «برایش زحمت کشیده است» بردارد و برود محصول ب را از نوع خارجی‌اش بخرد! با چه توجیهی؟ با این توجیه که محصول خارجی باکیفیت‌تر و ماندگارتر است، اما در محصول ایرانی یا دزدی می‌کنند یا به هر دلیلی کم می‌گذارند!** این دیگر نوبر است واقعاً!

**از این خنده‌دارتر آن است که طرف اصلاً تولیدکننده نباشد و به تولیدکنندگانِ ایرانی این‌گونه اتهام بزند! حداقل کار آن است که به جای تهمت‌های بی‌ارزش، حمایت‌گر تولیدگران باشیم. ممکن است جنس مشابه خارجی از بعضی جهات برتری داشته باشد، اما باید طرف‌دارِ پروپاقرص کالای داخلی بود.**

**حالا در میان این کاریکاتورها، اضافه کنید خریدن کالای خارجی را توسط یک نهاد دولتی!** دولتی که باید همه‌جوره حامی و پشتیبان کالای ایرانی باشد، **باید حرام بداند برای خود خریدن کالای خارجی را. اصلاً خرید کالای ایرانی یک‌جور «از این جیب به آن جیب» است.**

# درنگ

## کم کنیم!

"منو کشید کنار و گفت: «من تو این عملیات شهید می‌شم.» گفتم: «بی‌خیال بابا! تنت سالم باشه!»

ازش پرسیدم این عکسای تو جیبت چی‌ان؟ گفت: این دوتا..."

از خودمان کم کنیم و به خودمان اضافه کنیم.

اصلاً فرقی نکرد! یک بار کم کردیم و یک بار هم اضافه کردیم! ولی...

از تعلقاتی که داریم تا می‌توانیم کم کنیم که سبک‌بار بودن، بهترین نعمت خداست. دنیا را که رها کنیم دیگر چیزی بین ما و خدا نمی‌ماند که بخواهد این رابطه را به هم بزند. قبل از این اگر ترسی بود، به خاطر این بود که نکند چیزی با ارزش‌تر از خدا را از دست دهیم؛ پول، مقام و حتی خودمان! اعتکاف برای همین بود...

حضرت امیر المومنین (ع) می‌فرماید: «تخففوا» یعنی:

تا «پروا» نکی، «پر» وا نکنی...

"گفت: «این دوتا دخترای منن، این کوچیکه سه چهار سالشه، شمردن بلد نیست، بهم می‌گه بابا تو یه بار رفتی جنگ، دو بار رفتی تا برسه به چهار. چون بیشتر از چهار هم بلد نیست، دوباره برمی‌گرده از اول، هیچی دیگه همین‌طوری می‌شماره تا بشه دوازده بار.»

آخرش گفت: بی‌خیال، اینا برای رسوندن ما به خدان، نه مانع رسیدن! عکسا رو گذاشت تو جیبش."